

## × دلایل نامشروع

روز اول جنگ، صدام به مردم عراق و ایران گفت ناخواسته به این جنگ کشیده شده و مجبور است به ارتشش دستور دهد به حملات ایرانی‌ها پاسخی قاطع دهند. صدام می‌گفت ایرانی‌ها جزایر سه‌گانه‌ی عرب‌ها را اشغال کرده‌اند، قرارداد الجزایر را زیر پا گذاشته و به خاک عراق تجاوز کرده‌اند و در مسایل داخلی عراق دخالت می‌کنند. اما حتی کشورهای دوست عراق هم این دلایل را بهانه‌ای بیش نمی‌دیدند. الکواری، نماینده‌ی فطر در سازمان ملل، معتقد است: «این دلایل وقتی در بوت‌های آزمایش قرار گیرند، متأسفانه نادرست و فاقد مصداق خواهند بود. حتی با فرض این که ایران پیش از آغاز جنگ در نقاطی به خاک عراق تجاوز کرده باشد، این تجاوزات، حمله‌ی عراق به ایران را توجیه نمی‌کند. عمل عراق نقض آشکار اصل عدم استفاده از زور بود. اما جامعه‌ی بین‌الملل به دلایلی آمادگی نداشت در دوران جنگ این نظر را بر زبان آورد.»

## × بهانه‌هایی برای جنگ

به نظر می‌رسد صدام می‌دانست بهانه‌جویی در این‌باره برای هجوم سراسری به ایران کفایت نمی‌کند. او در ادامه‌ی جلسه توضیحاتی داد که بگوید قرارداد الجزایر قرارداد مناسبی نبوده است و عراق از روی ضعف به آن روی آورده. صدام گفت: «حقایق وجود دارد که باید رفقا را مجبور کنیم آن‌ها را به خاطر بسپارند. سال ۱۹۷۵ تقریباً از تمام مهمات توپخانه‌ای که در اختیار داشتیم استفاده کردیم. شرایطمان طوری بود که در نیروی هوایی فقط سه بمب سنگین داشتیم. فرمانده ستاد را به اتحاد جماهیر شوروی فرستادیم که آن‌جا قراردادی امضا کرد. آن‌ها به او گفتند که فقط ۱۲۰۰ گلوله‌ی توپ در اختیار دارند. در آن زمان، ۱۲۰۰ گلوله‌ی توپ تنها برای یک روز جنگ [کافی] بود.» عدنان در این‌جا به کمک صدام می‌آید و می‌گوید: «فقط از یک آتشبار استفاده می‌کردیم آقا.» و صدام ادامه می‌دهد: «بله، با یک آتشبار. این‌ها حقایق نظامی است. به‌خاطر حقایق سیاسی... اعلام کردیم که برای حل مسالمت‌آمیز مسائل بین خود و ایران آماده‌ی گفتگو هستیم... ارتش خود را از جبهه بیرون کشیدیم. هم‌زمان با بسیج شدن ارتش شاه در مقابل ارتشمان، جبهه را بدون نیرو ترک کردیم... این چیزی است که از انعطاف‌پذیری به‌دست می‌آورد. به هر حال، اگر مهمات داشتیم، نه انعطافی به او نشان می‌دادیم و نه [نامفهوم] در شط‌العرب را به او

می‌دادیم. اگر شرایط سیاسی و نظامی مان به ما اجازه‌ی موقعیت متفاوتی می‌داد، ما را به سمت چیزی که نمی‌خواستیم سوق نمی‌دادند... من با دیدن همه‌ی این‌ها، رنج کشیدم. با درد برگشتم... شاید یکی از شما پرسد چرا در زمان شاه ساکت بودید؟ ما آن را در زمان شاه امضا کردیم، نه در زمان دیگری... اگر پدر کسی کشته شود، می‌تواند از پسرش بخواهد که انتقامش را بگیرد. این یک واقعیت است. گاهی انسان خودش نمی‌تواند یک قصر بزرگ از خود به جا بگذارد، بنابراین از کسانی که پس از او هستند می‌خواهد که آن را بسازند. بسیاری از اجداد ما در یک نبرد نظامی شکست خوردند و سپس خود را جمع کردند و بازگشتند تا در نبرد دیگری پیروز شوند. بالاترین راهنمای ما محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اینگونه عمل می‌کرد... نقطه‌چین‌های درون متن مربوط به متن اصلی است.

## × توجیه جنگی

در ادامه‌ی جلسه و پس از توضیح درباره‌ی وضعیت عراق در زمان قرارداد الجزایر صدام از نگرانی‌هایش درباره‌ی وضعیت نظامی عراق می‌گوید: «برخی می‌گویند: "اگر قرار باشد همان شرایطی که در سال ۱۹۷۵ پیش آمد، اتفاق بیفتد، آیا تضمین می‌کنید که اتحاد جماهیر شوروی همچنان به شما تسلیحات بدهد؟" پاسخ این است که کسی نیست که این را تضمین کند. شما می‌توانید تضمین بدهید که ایران با نیروی نظامی با شما مقابله نکند و ایران کار را به سمت یک جنگ تمام‌عیار پیش نبرد؟ کسی نیست که چنین ارزیابی‌ای در اختیارمان قرار دهد. محاسباتی که ما درباره‌ی جهان عرب، جامعه‌ی بین‌المللی، عراق و ایران انجام دادیم به ما می‌گوید که این نوع تصمیم درست است و این که با فرماندهی ما و بسیج مردم و شور ارتش قابل انجام است.» او مردم عراق را هم همراه با تصمیمش برای جنگ معرفی می‌کند: «مردم شور و شوق کافی دارند... اگر می‌توانستید به مردم عرب اجازه دهید که خودشان تصمیم بگیرند و به آن‌ها

① ۲۴ بهمن ۱۳۵۲، مصاحبه‌ی خبرنگار با مجروحین تنش‌های مرزی ایران و عراق. اغلب ایرانی‌ها گمان می‌کردند درگیری جدید نیز از همین جنس درگیری‌های محدود گذشته است.

